

بیش از ۲ میلیون مقاله فارسی در این سایت موجود میباشد  
استفاده نویسندگان بومی ایرانی و انگلیسی از فراگفتمان متنی  
در مقالات آموزش زبان انگلیسی

سید محمد علوی

استادیار دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه تهران

اسماعیل عبداللهزاده

دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی دانشگاه تهران

### چکیده

مطالعه حاضر درصدد بررسی میزان و نحوه به کارگیری فراگفتمان متنی در مقالات تحقیقی، در زمینه آموزش زبان انگلیسی است که توسط نویسندگان ایرانی و انگلیسی به زبان انگلیسی نوشته شده اند. بدین منظور مقدمه‌های ۷۳ مقاله تحقیقی، که ۳۷ مورد آن توسط محققان ایرانی و ۳۶ مورد آن توسط محققان انگلیسی به زبان انگلیسی در زمینه آموزش زبان انگلیسی نوشته شده بودند، مورد مطالعه قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل نقشی-متنی نشان داد که تفاوت آماری معناداری میان نویسندگان انگلیسی و ایرانی در زمینه آموزش زبان انگلیسی در میزان استفاده از نمادهای اجرایی وجود دارد، اما این تفاوت شامل نماد های ربطی و نمادهای توضیحی نمی شود. افزون براین، هر دو گروه از نویسندگان، توالی مشابهی از این نمادهای متنی را بکار می گیرند، بدین معنا که آنها تمایل به استفاده بیشتری از نمادهای ربطی، نسبت به نمادهای توضیحی و نسبت به نمادهای اجرایی دارند. نتایج این تحقیق می تواند در تدریس مهارت های نوشتاری، نگارش و ترجمه موثر باشد.

واژه های کلیدی: فراگفتمان متنی، نماد های ربطی، نمادهای توضیحی، نمادهای اجرایی

این مطالعه بلاغی، میزان و شیوه بهره‌بری از فراگفتمان متنی<sup>۱</sup> و زیر مجموعه‌های مرتبط با آن را، در نوشته‌های نویسندگان دانشگاهی ایرانی و انگلیسی، در زمینه تدریس زبان انگلیسی مورد مقایسه قرار می‌دهد. فراگفتمان به عنوان یکی از ابزارها و راهبردها در فرایند هر نوع گفتگمانی پنداشته می‌شود. کریسمور<sup>۲</sup> (۱۹۸۴) معتقد است که نوشتار انگلیسی نویسندگان و دانشجویان غیر بومی (غیر انگلیسی) شباهت بیشتری به نوشته‌های نویسندگان بومی (انگلیسی) خواهند داشت، با این تأکید که این نویسندگان از کمیت و کیفیت این نمادها در سبک‌ها و رشته‌های مختلف آگاهی پیدا کنند. علیرغم این، جنبه‌های بلاغت متناسب با اهداف اجتماعی خوانندگان خاصی‌اند که اثرگذاری تلاش نویسندگان در برقراری ارتباط، وابسته به موفقیت آن‌ها در تحلیل و برآوردن نیازها و احتیاجات خوانندگان است. این واقعیت، انتخاب سبکی خاص را برای هر نوع هدف اجتماعی ایجاب می‌کند. افزون بر این، ناآگاهی از راهبردها و جنبه‌های مختلف متن، ممکن است آسیبی بلاغی از دیدگاه خوانندگان انگلیسی-آمریکایی محسوب شود.

مورانن<sup>۳</sup> (۱۹۹۳) بحث می‌کند که این زبان چیزی ماورای تفاوت در علائق فرهنگی است، زیرا این عمل نه تنها احساس عدم ذوق بلاغی، بلکه عدم وجود نوشتار منسجم و یا حتی فکر منسجم را در خوانندگان ایجاد می‌کند که به نوبه خود می‌تواند اعتبار نویسندگان غیر بومی را به طرز جدی تحت تأثیر قرار دهد.

فراگفتمان متنی، ابزاری بلاغی است که در چگونگی به هم ربط دادن مطالب محتوایی یک متن و نحوه ارائه مفهوم خاص آن به نویسندگان کمک می‌کند. کپلن<sup>۴</sup> (۱۹۸۸) بر این باور است یک نویسنده موفق و مسلط به زبان خارجی، می‌تواند به خوبی و مهارت زبان بومی‌اش بنویسد، خطاست. مورانن (۱۹۹۳) بر این باور است که این مشکل نه تنها نویسندگان تازه کار غیر انگلیسی را که رو در رو با دشواری‌های سازگاری با اصول و انتظارات جوامع انگلیسی و آمریکایی‌اند را درگیر ساخته است، بلکه نویسندگان حرفه‌ای صاحب سبک نیز با آن مواجه هستند. نویسندگان دانشگاهی زمانی که به زبانی خارجی (انگلیسی) می‌نویسند، در می‌یابند که مشکلاتی آن‌ها برای جلب نظر مخاطب‌شان محدود به دانستن دستور زبان و واژگان زبان خارجی است. مورانن اظهار می‌دارد که آن‌ها ممکن است بدون اطلاع و به صورت ناآگاهانه وارد یک ارتباط بلاغی بدون ثمر شوند که فراتر از دانستن گرامر یا واژه‌ها است، بنابراین در القاء معانی به طرز ضعیفی عمل می‌کنند. این عمل ممکن است به دو دلیل صورت گیرد: نخست آن‌که ممکن است شیوه کاربری و بهره‌بری از امکانات زبان خارجی را به نفع خود درست به کار نیندند، که این عمل ممکن است به دلیل عدم تسلط کافی آن‌ها بر ساختارهای متنی زبان خارجی باشد. دوم آن‌که ممکن است عقاید آن‌ها در مورد این که چه نوع کلامی متقاعد کننده است، باعلاق موجود در زبان خارجی متفاوت باشد. از طرف دیگر، آن‌ها ممکن است از وجود چنین تفاوت‌هایی بی اطلاع باشند. افزون بر این، کپلن (۱۹۸۸) معتقد است که تحقیق و تفحص در مورد سبک‌های مختلف نوشتاری، به منظور آشکار کردن ویژگی‌های کنونی آن‌ها برای کمک به مهارت نوشتن فراگیران یک زبان ضروری باشد. های لند<sup>۵</sup> (۱۹۸۸) بر این باور است که در نوشتن، استفاده بهینه از فراگفتمان، نقش مهمی را در پدیداری اثری موفق بازی می‌کند. همچنین چنگ و استفنسن<sup>۶</sup> (۱۹۹۶) معتقدند تدریسی که شامل آموزش انواع ویژه فراگفتمان و استفاده از آن‌ها در تمرین‌ها و نوشته‌های خود دانش‌آموزان باشد، به آن‌ها کمک می‌کند تا به نیازهای خوانندگان خود حساس‌تر شوند و در نتیجه، متون و نوشته‌های جالب و قابل تعمق ارائه دهند و این کار موجب افزایش حساسیت دانش‌آموزان به نیازهای خوانندگان‌شان به منظور برآورده کردن بهتر نیازها می‌شود.

## بحث و بررسی

### پیشینه تحقیق

واژه فراگفتمان، با واژه‌هایی مانند «فراگفتگو»<sup>۷</sup>، «فرا زبان»<sup>۸</sup> و «فرا ارتباط»<sup>۹</sup> خویشاوندی نزدیکی دارد. این عبارتها در تحلیل کلام برای اشاره به گفتگو و محاوره درباره زبان به کار برده می‌شوند (شفرن<sup>۱۰</sup>، ۱۹۸۰).

- 1 - Textual metadiscourse
- 2 - Crismore
- 3 - Murannen
- 4 - Kaplan
- 5 - Hyland
- 6 - Cheng and Steffensen
- 7 - Meta talk
- 8 - Meta language
- 9 - Meta communication
- 10 - Schiffirin

همانگونه که مائو<sup>۱۱</sup> (۱۹۹۳) اظهار می‌دارد، در زبان نوشتاری، فراگفتمان دارای حداقل دو معنا است: «می‌تواند برای اشاره به گفتمان درباره گفتمان، و نوعی تفسیر انتقادی یا تبیین نظری یک کلام یا یک نظریه به کار برده شود» (ص ۲۶۸). همچنین واژه گفتمان، اشاره به عناصری است که معانی آنها، فراتر و جدا از مفاهیم ارجاعی به کار رفته در متن است.

در تعریف معانی فراگفتمان، بیشتر محققان از هالیدی<sup>۱۲</sup> (۱۹۹۴) تأسی می‌جویند. به طور خلاصه هالیدی تأکید می‌کند که افراد با پیام‌هایی که اصطلاحات مرکبی از سه نوع معنای متفاوت دارند، ارتباط برقرار می‌کنند، که او آن‌ها را معناهای محتوایی، بین شخصی، و متنی مینامد، نیز هر یک از این معانی، از طریق عناصری از یکی از سه دسته عناصر نگاره‌شناختی<sup>۱۳</sup>، تکواژی، و نحوی تبیین می‌شود. عناصر معانی محتوایی مربوط به محتوای زبان و نقش آن به عنوان ابزاری برای بیان تجارب ما از دنیای بیرون و درون ماست. عناصر گروه بین شخصی مربوط به زبان به عنوان رابط بین شخصیت و احساسات درونی ما از یک طرف، و کنش‌ها و تداخل‌های اجتماعی با شرکت‌کنندگان یک موقعیت گفتمانی، از طرف دیگر است.

در نهایت عناصر گروه متنی، نقشی را در ساختن متن دارند، که با جنبه عملی زبان و ارتباط است و متمایز از یک دسته کلمات و عبارات متفرق است. وند کاپل<sup>۱۴</sup> (۱۹۸۵) معتقد است که انواع فراگفتمان، معناهای متنی و بین شخصی را القاء می‌کنند. همچنین مارکانن، استفسنسن و کرسیمور (۱۹۹۰)<sup>۱۵</sup> می‌نویسند که این دو نقش زبانی (متنی و بین شخصی)، از نظر تدریس نگارش حائز اهمیت‌اند. آن‌ها از عبارت فراگفتمان<sup>۱۶</sup> برای اشاره به عناصر زبانی که به وضوح نقش‌های متنی و بین شخصی را بازی می‌کنند، استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر فراگفتمان به عناصر زبانی اطلاق می‌شود که معنایی به محتوای گزاره‌ها اضافه نمی‌کنند، بلکه به حضور نویسنده در متن اشاره می‌کنند. به بیانی ساده‌تر، معمولاً هنگام نوشتن دو جنبه را مدنظر قرار می‌دهیم: از یک جنبه، محتوای گزاره‌ها را ارائه و بسط می‌دهیم و از جنبه دیگر (سطح فراگفتمان)، محتوای گزاره‌ها را بسط نمی‌دهیم، بلکه به خوانندگان خود کمک می‌کنیم که چنین مطالب و گزاره‌هایی را سازماندهی، طبقه‌بندی، تفسیر، ارزیابی و نسبت به آن‌ها نظر بدهند. بنابراین فراگفتمان، اشاره به گفتمان درباره گفتمان یا گفتگو درباره کلام است. فراگفتمان دارای دو زیرمجموعه اصلی است:

۱- فراگفتمان متنی ۲- فراگفتمان بین شخصی. در این تحقیق ما فراگفتمان متنی را مورد مطالعه قرار می‌دهیم. عناصر موجود در فراگفتمان متنی شامل نمادهای ربطی، توضیحی، و اجرایی‌اند. نمادهای ربطی به نویسنده کمک می‌کند، تا به خواننده نشان دهد که چگونه بخش‌های مختلف یک متن با هم مرتبط‌اند و متن چگونه سازماندهی شده است. نمونه‌های بارز این عناصر متنی در انگلیسی شامل واژه‌هایی مانند: *fist, next, finally, therefore as we shall see, as for, we might recall, etc* می‌باشند. نمادهای توضیحی به خوانندگان کمک می‌کنند، تا معناهای صحیح عناصر را در متن دریابند. نمونه‌های بارز این نوع نمادها عبارتند از عبارت‌های داخل پرانتز (*see figure 4, for more detail*)، یا عباراتی مانند: *so called, strictly speaking, roughly speaking, I will put it this way* می‌باشند.

با نمادهای اجرایی<sup>۱۷</sup>، می‌توانیم خواننده را از اعمال کلامی که در موقعیت‌های مختلف در متن اجرا می‌کنیم، آگاه سازیم. نمونه‌های بارز این نوع نمادها جهت فرضیه‌سازی، خلاصه کردن، ادعا کردن، قول دادن، مثال زدن، و غیره به کار برده می‌شوند.

فراگفتمان متنی بخشی از جنبه علمی زبان است، کسب مهارت در این زمینه در - یک زبان خارجی - به نظر بسیار مشکل می‌آید. کپلن بیان می‌دارد که عدم آگاهی از اصول بلاغی، کیفیت کلی یک متن را پایین می‌آورد. تحقیق حاضر به دنبال یافتن این نکته است که چگونه اهرم فراگفتمان در نوشتن مقالات انگلیسی آموزش زبان انگلیسی توسط نویسندگان دانشگاهی ایرانی و انگلیسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابر این دو فرضیه زیر مورد آزمایش قرار گرفته شده‌اند:

۱- تفاوت آماری تأمل‌برانگیزی بین نویسندگان بومی ایرانی و انگلیسی در استفاده از فراگفتمان متنی در قسمت مقدمه مقالات آموزش زبان انگلیسی وجود دارد.

۲- تفاوت آماری تأمل‌برانگیزی بین نویسندگان بومی ایرانی و انگلیسی در استفاده از نمادهای ربطی<sup>۱۸</sup>، نمادهای توضیحی<sup>۱۹</sup> و نمادهای اجرایی در بخش مقدمه مقالات آموزش زبان انگلیسی وجود دارد.

11 - Mao

12 - Halliday

13 - Graphological

14 - Vande Kopple

15 - Markannen, Steffensen, & Crismore

16 - Metadiscourse

17 - Illocution markers

18 - Text connectives

19 - Code glosses

آنچه که در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفت، مقالات تحقیقی آموزش زبان انگلیسی بود. البته در این تحقیق، بخش‌های مقدمه این مقالات، مورد مطالعه قرار گرفتند، با این هدف که احتمال استفاده از فراگفتمان متنی در این قسمت‌ها به مراتب بیشتر از بخش‌های دیگر یک مقاله است. هفتاد و سه مقاله (۳۷) مقاله را نویسندگان دانشگاهی ایرانی و ۳۶ نوشتار را نویسندگان دانشگاهی انگلیسی نوشته بودند (به دقت از نشریات مختلف داخلی و خارجی انتخاب شدند، در مقدمه این مقالات، نمادهای ربطی، نمادهای توضیحی و نمادهای اجرایی شناسایی شدند.

به دلیل چند نقشی بودن بعضی از این نمادها، فراوانی وقوع (تکرارپذیری) این نمادها نه به صورت مکانیکی، بلکه به صورت نقشی محاسبه شدند. در این تجزیه و تحلیل مقابله‌ای، شرایطی که محققانی مانند پروز<sup>۲۲</sup> (۱۹۸۸) و کرژوسکی<sup>۲۱</sup> (۱۹۸۴) برای انجام هر نوع تحقیق مقابله‌ای بیان داشته‌اند، مدنظر قرار گرفته شده است. این شرایط شامل شباهت در موارد زیر است: ۱- زمینه کاری ۲- موضوع ۳- زبان و ۴- حرفه نویسندگان می باشد. بر اساس مدل ارائه شده توسط وندکاپل<sup>۲۳</sup> (۱۹۸۵)، ابتدا نمادهای فراگفتمان مذکور در بالا، در هر مجموعه شناسایی شدند، سپس فراوانی وقوع یا تکرارپذیری هر کدام از این نمادها در نوشته‌های هر دو گروه از نویسندگان ثبت گردید. در نهایت، آزمون مربع خی<sup>۲۳</sup> انجام شد و موارد تشابه و تفاوت مورد بررسی قرار گرفتند. در این تحقیق افزون بر رعایت طبقه بندی ارائه شده توسط وندکاپل برای تجزیه و تحلیل فراگفتمانی، میزان استفاده از نقطه‌گذاری<sup>۲۴</sup> توسط هر دو گروه از نویسندگان نیز مورد بررسی قرار گرفت. نمادهای نقطه‌گذاری بر اساس نظر محققانی مانند مارکانن، استفنسن و کریسمور (۱۹۹۳) جزو نمادهای توضیحی محسوب می شوند. بنابراین زمانی که در متنها نمادهایی مانند دو نقطه، ویرگول، پرانتز و خط کشیدن زیر یک واژه یا اصطلاح، جهت توضیح یا تفسیر بیشتر بکاربرده شدند، این نمادها به عنوان نمادهای توضیحی مدنظر قرار گرفتند.

بعد از شناسایی نمادهای مذکور و نقش هر کدام از آنها، این نمادها و نقش آنها توسط دکتر کریسمور که متخصص در زمینه فراگفتمان از دانشگاه ایندیانا می باشد مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفت و نمادهایی که به تشخیص ایشان نقش فراگفتمانی نداشتند کنار گذاشته شدند.

## نتایج

متون نوشته شده شامل همه نمادهای مذکور در بالا بودند، آزمون مربع خی نشان داد که تفاوت آماری معناداری بین نویسندگان بومی دانشگاهی ایرانی و انگلیسی در استفاده از فراگفتمان متنی و زیر مجموعه‌های مربوط به آن در مقالات آموزش زبان انگلیسی وجود دارد. جدول شماره (۱) فراوانی وقوع این نمادها را در بین این دو گروه از نویسندگان نشان می‌دهد. سپس تفاوت بین هر دو گروه نویسندگان در استفاده از این نمادها مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. با توجه به نتایج حاصله، نخستین فرضیه این تحقیق که همانا بر وجود تفاوت آماری معناداری بین نویسندگان ایرانی و خارجی تاکید می کند مورد تأیید قرار گرفت. (Chi-obs = 11.87, Chi-crit = 22.96, df = 5, p < .05)

20 - Purves

21 - Krezszowski

22 - Vande Kopple

23 - Chi-square Analysis

24 - Punctuations

جدول ۱. استفاده نویسندگان دانشگاهی ایرانی و انگلیسی از فراگفتمان متنی در مقالات آموزش زبان انگلیسی

نویسندگان ایرانی	نویسندگان انگلیسی
473	نمادهای ربطی 460 (TC) <sup>۲۵</sup>
273	نمادهای توضیحی 320 (CG) <sup>۲۶</sup>
125	نمادهای اجرایی 225 (IM) <sup>۲۷</sup>

تجزیه و تحلیل بعدی به مقایسه این دو گروه از نویسندگان در استفاده از نمادهای ربطی می پردازد. این تجزیه و تحلیل نشان می دهد که این دو گروه از نویسندگان، در استفاده از نمادهای ربطی از همدیگر متفاوت نیستند. بنابر این بخش اول فرضیه دوم این تحقیق رد می شود.

(chi-square critical=3.84 chi-square observed=0.18, df:1 P<.05)

سپس به بررسی این دو گروه در استفاده از نمادهای توضیحی پرداخته شد. نتایج نشان می دهد اگر چه نویسندگان انگلیسی تمایل بیشتری به استفاده از نمادهای توضیحی دارند، ولی این تفاوت از لحاظ آماری قابل توجه نیست.

(chi-square critical=3.84 chi-square observed=3.72 df:1 P<.05)

سرانجام، این دو گروه از نویسندگان در استفاده از نمادهای اجرایی مورد مقایسه قرار گرفته شدند. نتایج نشان داد که تفاوت آماری معنادار چشمگیری بین این دو گروه از نویسندگان در استفاده از نمادهای اجرایی وجود دارد، به این ترتیب که نویسندگان بومی انگلیسی زبان به مراتب استفاده بیشتری از این نمادها برای بیان رویدادهای زبانی می کنند.

(chi-square critical=3.84 chi-square observed=28.56 df:1 P<0.5)

تجزیه و تحلیل های بعدی نشان دادند که هر دو گروه از نویسندگان به ترتیب تمایل بیشتری برای استفاده از نمادهای ربطی نسبت به نمادهای توضیحی دارند. همچنین استفاده آنها از نمادهای توضیحی بیشتر از نمادهای اجرایی است، و این سلسله مراتب در بین هر دو گروه از نویسندگان رعایت شده است.

### نتیجه گیری

تجزیه و تحلیل نقشی - متنی در این مطالعه نشان داد که نویسندگان دانشگاهی، در هر دو زبان و فرهنگ، از همه زیر مجموعه های فراگفتمان متنی استفاده می کنند. این یافته می تواند شاهی نسبی برای جهانشمول بودن فراگفتمان به شمار آید. تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد که نویسندگان آمریکایی و انگلیسی در زمینه آموزش زبان انگلیسی به مراتب بیشتر از نویسندگان دانشگاهی ایرانی همتای خود از فراگفتمان متنی استفاده می کنند. این نکته می تواند گواه بر این مسئله باشد که نویسندگان بومی انگلیسی راهنمایی های بیشتری برای مخاطبان خود در متن ارائه می کنند و آنها را از ساختار قسمت های نقشی<sup>۲۸</sup> و پیام اصلی متن آگاه می کنند، بنابراین به مخاطبان خود احساس اعتبار و قدرت که در نتیجه آگاهی متنی حاصل می شود، القاء می کنند.

البته با وجود تفاوت آماری معنادار بین این دو گروه از نویسندگان در استفاده از فراگفتمان متنی، نویسندگان بومی ایرانی ۴۶ درصد و نویسندگان بومی انگلیسی ۵۴ درصد کل نمادهای فراگفتمانی در متون مورد مطالعه را به خود اختصاص دادند.

این دو گروه از نویسندگان در میزان استفاده از نمادهای ربطی با یکدیگر تفاوتی نداشتند. نمادهای ربطی ۴۹٪ کل فراگفتمان مورد استفاده در متون مورد مطالعه را تشکیل دادند که خود این عامل، به اهمیت و نقش مهم این نمادها به عنوان ابزار بلاغی، برای نشان دادن چگونگی ارتباط بین قسمت های مختلف یک متن، نوع رابطه های منطقی و زمانی بین گزاره ها و همچنین چگونگی معرفی گزاره های جدید به کار می روند. همه این عوامل به درجه فهم و بهره مند بودن کلام کمک می کنند.

نمادهای توضیحی ۳۲ درصد کل نمادهای فراگفتمانی بود که هر دو گروه از نویسندگان از آنها استفاده کرده بودند. این نمادها توضیح یا تفسیری از گزاره ها را ارائه می دهند. همچنین این نمادها در فهم متون و اصطلاحات مشکل به مخاطبان کمک می کنند.

شبهات عمل نویسندگان ایرانی و انگلیسی در استفاده از نمادهای ربطی و توضیحی را می توان با توجه به تفاوتی که مورانن (۱۹۹۳) بین فرهنگ ملی و

25 - Text contentives

26 - Code glosses

27 - Illocution markers

28 - Functional Parts

فرهنگ بین‌المللی ارائه کرده است، توضیح داد. فرهنگ ملی اشاره به فرهنگ و سنت یک کشور می‌کند، اما فرهنگ جهانی اشاره به زیرمجموعه‌های فرهنگ علمی می‌کند (مانند پزشکی، فلسفی، فیزیکی، بیوشیمی و غیره).

سبک و سیاق کلام علمی به عنوان یک عنصر جهانی در نظر گرفته می‌شود، زیرا فعالیت علمی و کلام علمی فعالیت و کلامی فرا فرهنگی است. بنابراین شباهت عمل این دو گروه از نویسندگان در استفاده از نمادهای ربطی و توضیحی را می‌توان به وابستگی آن‌ها به یک جامعه فرا فرهنگی علمی که همان جامعه مدرسان زبان انگلیسی یا محققان زبان انگلیسی است، نسبت داد.

نمادهای اجرایی ۱۹ درصد کل فراگفتمان مورد استفاده در متون مورد تحقیق را تشکیل دادند. نویسندگان انگلیسی زبان ۲۲ درصد و نویسندگان ایرانی ۱۴ درصد این نمادها را در نوشته‌های خود به کار بردند. این بدین معناست که نویسندگان انگلیسی در رشته آموزش زبان انگلیسی به طرز قابل توجهی بیشتر از نویسندگان ایرانی پیاپی به رویدادهای کلامی که در متن صورت می‌گیرد، اشاره می‌کنند. این عامل می‌تواند نشانگر پیش‌فرضیات یا مفروضات مختلفی باشد که آن‌ها ممکن است نسبت به مخاطبان خود داشته باشند.

به نظر می‌رسد نویسندگان دانشگاهی ایرانی، در زمینه آموزش زبان انگلیسی، مخاطبی بردبار، باسواد و باهوش مخاطب قرار می‌دهند. از طرف دیگر، به نظر می‌رسد استراتژی بلاغی نویسندگان انگلیسی، خوانندگانی را مخاطب قرار می‌دهد که الزاماً آنچه را که نویسنده می‌داند نمی‌دانند، یا ممکن است مشغولیت ذهنی داشته باشند، بنابراین ممکن است لازم است به آنان گوشزد شود که چرا یک متن ارزش خواندن دارد؟ چه چیزی اهمیت دارد و چگونه آن متن بایستی مطالعه شود؟

نویسندگان انگلیسی از نمادهای اجرایی به عنوان ابزاری برای بیان حضور خود در متن استفاده می‌کنند. نقش این نمادها بیشتر به بحث‌گذاران متن است، تا تبدیل آن به یک سری گزاره‌های پشت سرهم. این نمادها بیانگر آنند که بحثی در جریان است، چگونه آن بحث دنبال می‌شود و چه مرحله‌ای در بحث وجود دارند. بنابراین، با توجه به سلسله مراتب استفاده از هر کدام از نمادهای فراگفتمانی، توسط هر دو گروه از نویسندگان، ما می‌توانیم به صورت مستقیم یا غیر مستقیم آگاهی دانش‌آموزان را نسبت به کمیت و کیفیت هر کدام از این نمادها بالا ببریم.

اگر چه این تحقیق رابطه بین استفاده از فراگفتمان و تاثیر آن بر روی خوانندگان را مورد بررسی قرار نمی‌دهد، اما استفنسن<sup>۲۹</sup> (۱۹۹۲) نشان داد که مطالعه فراگفتمان توسط دانش‌آموزان، تاثیر مثبتی بر نوشته‌های آن‌ها دارد. شواهد دیگری نیز وجود دارند که نشان می‌دهند، فراگیران زبان خارجی از تدریس مستقیم فراگفتمان که به بهبود کیفیت نوشته‌های آنان بیانجامد، بهره‌مند می‌شوند. همچنین، چنگ و استفنسن (۱۹۹۶) بحث می‌کنند که نوشتار مؤثر و کنترل سبک‌های ویژه خصیصه‌های درونی و ذاتی نیستند، بلکه مستلزم یادگیری مستقیم حتی برای نویسندگان بومی‌اند. وندکاپل<sup>۳۰</sup> (۲۰۰۲) معتقد است آنچه که فراگیران نیاز دارند، حساسیت و مهارت نسبت به این نمادها در نوشتار انگلیسی است، این عمل مستلزم غلبه بر چالش‌های متعدد جامعه شناختی زبان است. بر اساس یافته‌های این تحقیق، ما می‌توانیم آگاهی دانشجویان را نسبت به روشی که نویسندگان انگلیسی نوشته‌های خود را سازمان دهی می‌کنند، افزایش دهیم، سپس متونی را خلق کنیم که هماهنگ با قراردادهای و هنجارهای رایج در متون و فرهنگ زبان مقصد باشند.

فراگفتمان متنی، دارای نقشی راهنما، سازمان دهنده و روشن کننده در متن است. نمادهای فرازبانی برعکس عناصر متنی که اساساً و ترجیحاً تنها محتوای یک گزاره را به مخاطب می‌رسانند، مخاطب را وارد کنش مستقیم با نویسنده می‌کنند. افزون بر این، فراگفتمان ابزار بلاغی ارزشمندی است که موجب ایجاد تاثیرات بلاغی، همانند ارضاء مخاطب، ایجاد اعتماد و منطق در نوشتار می‌شود. اعتبار یک متن همانگونه که موران بحث می‌کند زایدیه یک حس آگاهی از کاری است که انسان انجام می‌دهد این کار نشأت گرفته از آگاهی متنی است که می‌تواند در نتیجه استفاده از فراگفتمان حاصل شود.

- 1- Cheng, X., & Steffensen, M.S. "Metadiscourse: A technique for improving student writing", *Research in the Teaching of English*, 1996.
- 2- Halliday, M.A.K. *An introduction to functional grammar*, (2<sup>nd</sup> ed.). London: Edward Arnold 1994.
- 3- Kaplan, R.B., 1966 "Cultural thought patterns in intercultural communication," *Journal of Language Learning*, 1966.
- 4- Kaplan, R.B. "Contrastive rhetoric and second language learning: Notes toward a theory of contrastive analysis," Newbury Park: Sage, 1988.
- 5- Krzeszowski, T.P. "Tertium Comparationis," in J. Fisiak, (ed.), *Further insights into contrastive analysis*, London: Sage, 1984.
- 6- Markkanen, R., Steffensen, M.S., & Crismore, A. "A quantitative contrastive study of metadiscourse: Problems in the design and analysis of the data," Paper presented at the XXV conference of contrastive linguistics and cross – cultural studies, Radzyam, December, 1990.
- 7- Mauranen, A. "Cultural differences in academic rhetoric". Frankfurt and Main: Peter Lang, 1993.
- 8- Purves, A. "writing across language and cultures." Newbury park: Sage Publications, 1988.
- 9- Steffensen, M.S. "Reading and the reading- writing connection", Paper presented at the annual research workshop of the language centre for Finnish universities, Helsinki: University of Jyväskylä, 1992.
- 10- Vandekopple, W. "Metadiscourse, discourse, issues in composition and rhetoric", In E. Barton and J. Fisiak (eds), *Discourse Studies in Composition*. New Jersey: Hampton Press, 2002.
- 11- Vandekopple, W. "Some Explanatory discourse on metadiscourse", *College Composition and Communication*, 1985.